

نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و پیامدهای آن: نقش پیش بین صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی

* اسحق رحیمیان بوگر: دکتری تخصصی روانشناسی سلامت، استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (* نویسنده مسئول).
i_rahimian@semnan.ac.ir

سید موسی طباطبایی: دکتری تخصصی روانشناسی، استادیار دانشگاه پیام نور سمنان، سمنان، ایران. tabatabaee19@gmail.com

جليله طوسی: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات سمنان، سمنان، ایران. ja.tosi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: سوء مصرف مواد از مهم ترین چالش های پیش روی متخصصان سلامت روان در جوامع معاصر است. این مطالعه با هدف بررسی نقش صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی در نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و پیامدهای آن انجام گرفت.

روش کار: طی یک مطالعه توصیفی مقطعی از میان دانشجویان دانشگاه دامغان تعداد ۹۵ دانشجوی پسر و ۱۰۵ دانشجوی دختر با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و مقیاس نگرش سنج به مواد مخدر، پرسشنامه پنج عامل شخصیت و پرسشنامه جمعیت شناختی را تکمیل کردند. داده ها به کمک همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام با نرم افزار SPSS-19 تحلیل شدند.

یافته ها: بین روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی، توافق پذیری، مسئولیت پذیری و درآمد با نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و خطرات آن رابطه معنادار وجود داشت ($p < 0/001$). جنسیت، سطح تحصیلات و سن نیز تنها رابطه معناداری با نگرش به خطرات سوء مصرف مواد داشتند ($p < 0/001$). توافق پذیری، روان رنجورخویی، مسئولیت پذیری، گشودگی و درآمد نقش معناداری در پیش بینی تمایل به سوء مصرف مواد داشتند ($p < 0/001$). به علاوه، مسئولیت پذیری، گشودگی، روان رنجورخویی، جنسیت، توافق پذیری، سطح تحصیلات و سن در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد دارای نقش معناداری بودند ($p < 0/001$).

نتیجه گیری: صفات شخصیتی و عوامل جمعیت شناختی نقش مهمی در گرایش به سوء مصرف مواد و خطرات ادراک شده آن دارند. به منظور پیشگیری اولیه از سوء مصرف مواد توجه به این عوامل در تدوین و اجرای برنامه های پیشگیرانه طی کارآزمایی های بالینی ضروری است.

کلیدواژه ها: سوء مصرف مواد، روان رنجورخویی، شخصیت، دانشجویان

مقدمه

سوء مصرف مواد و پیامدهای مخرب آن از چالش انگیزترین موضوعات در زمینه سلامت و پزشکی است. سوء مصرف مواد توسط جوانان هزینه هنگفتی بر اجتماع تحمیل می کند و بار اجتماعی، روانشناختی، بهداشتی-درمانی و اقتصادی آن همواره بر دوش جامعه سنگینی می نماید (۱،۲). نگرش مثبت به مواد عامل مهمی در اقدام به رفتارهای داروجویانه، بروز وابستگی و تداوم سوء مصرف مواد است (۳). شناخت عوامل مؤثر در نگرش مثبت به سوء مصرف مواد و پیامدهای آن از اولین و مهم ترین اقدامات در برنامه های پیشگیرانه از سوء مصرف مواد است (۴). نگرش به صورت مستقیم و

غیرمستقیم بر رفتارهای اعتیادی تأثیر می گذارد. به همین دلیل، با تغییر نگرش های مثبت افراد و تقویت نگرش های منفی آنان نسبت به مواد می توان از تمایل به سوء مصرف مواد و تداوم آن پیشگیری نمود (۵). توجه به صفات شخصیتی و عوامل جمعیت شناختی در اصلاح نگرش و تقویت نگرش منفی نسبت به اعتیاد اهمیت زیادی دارد (۴،۶).

عوامل روانشناختی نظیر ویژگی های شخصیتی و عوامل فردی یا جمعیت شناختی متعددی نگرش به سوء مصرف مواد را تبیین می کنند (۵،۶). طی دهه های اخیر، رابطه بین صفات شخصیتی و نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و دارو توجه زیادی را به خود جلب نموده

است (۷،۴). از طرفی، ارتباط بین شخصیت و سوء مصرف مواد به دلیل پراکندگی دامنه صفات شخصیت بسیار پیچیده و توأم با ابهام است (۸). الگوهای جامع شخصیتی نظیر الگوی پنج عامل شخصیتی به طور مفیدی پروفایل شخصیتی سوء مصرف کنندگان مواد را نشان می دهد (۸،۹). در مطالعه ای مشخص شد که سوء مصرف کنندگان مواد در مقایسه با افراد غیر سوء مصرف کننده در عامل روان رنجورخویی نمرات بسیار بالاتر و در عوامل مسئولیت پذیری و توافق پذیری نمرات پایین تری کسب کرده اند (۸). در مطالعه ای مشابه نیز مشخص شد که سوء مصرف کنندگان مواد نمره بالاتری را در مقیاس های برون گرایی، روان رنجورخویی و روان نژندخویی کسب کرده اند (۱۰). از طرفی، در مطالعه ای دیگر پیرامون الگوی پنج عاملی شخصیت نیز نتیجه گرفته شد افرادی که گرایش به سوء مصرف مواد دارند، دارای سطح پایین برون گرایی، توافق و وظیفه شناسی و نیز دارای سطوح بالای روان رنجوری و گشودگی هستند (۱۱). در کل یافته های این مطالعات بیان می کند که سوء مصرف کنندگان مواد یا الکل واجد صفات شخصیتی خطرناک نظیر روان رنجورخویی، پریشانی ذهنی و تکانشگری هستند (۱۰، ۱۲)؛ بنابراین، براساس الگوی پنج عاملی شخصیت سوء مصرف کنندگان مواد از لحاظ هیجانی ثبات، توافق و وظیفه شناسی پایینی دارند و واجد صفات شخصیتی آسیب گونه بالاتر نظیر روان رنجورخویی هستند (۱۳). در مطالعه ای اخیر، با استفاده از پرسشنامه شخصیتی نئو یک نمونه از افراد وابسته به مواد با افراد سالم مقایسه شدند و نتیجه گرفته شد که سطح بالای روان رنجوری و سطح پایین توافق پذیری، وظیفه شناسی و برون گرایی در افراد وابسته به مواد در مقایسه با گروه سالم باعث می شود که آنها از لحاظ هیجانی نسبت به گروه سالم پریشان تر، ستیزه جو و هیجان طلب و بنابراین در معرض خطر تداوم وابستگی به مواد باشند (۱۰، ۱۴). در مطالعه ای تحلیلی نیز نتایج نشان داد که سوء مصرف مواد با

وظیفه شناسی و توافق پذیری پایین و از طرفی با روان رنجوری بالا ارتباط دارد (۱۵). علاوه بر نقش مهم صفات شخصیت در نگرش مثبت به مواد، پژوهش های علت شناسی و همه گیرشناسی نشان می دهند که ویژگی های جمعیت شناختی نیز از جمله عواملی هستند که در نگرش مثبت و تمایل به سوء مصرف مواد نقش دارند (۶، ۱۶). گرایش به سوء مصرف مواد به طور معمول تابعی از جنسیت مذکر، سن پایین تر، آموزش کمتر، مجرد بودن، درآمد پایین تر و برخی دیگر از متغیرهای اجتماعی نظیر حمایت اجتماعی ضعیف می باشد (۱۶، ۱۷). مطالعات متعددی نشان داده اند که سن اولیه در اولین بار استفاده از مواد به خصوص شروع در سنین ۱۸ تا ۲۹ سال پیش بینی کننده مهمی در تداوم و وابستگی به مواد می باشد (۱۸). همچنین، پژوهش ها نشان می دهند که متغیرهای خاصی نظیر وضعیت اجتماعی- اقتصادی نامطلوب در کنار سن پایین و فشار اجتماعی اعمال شده توسط گروه های همسن و سال خطر سوء مصرف مواد را افزایش می دهند (۱۸، ۱۹). آنچه بر اهمیت پژوهش بیشتر در این حوزه می افزاید عدم بررسی عوامل مهم در نگرش به سوء مصرف مواد به شکل یکپارچه، گرایش روز افزون جوانان به سوء مصرف مواد و نیز رشد و تکثیر بی رویه انواع مواد است که نیاز به بهبود برنامه های کاهش تقاضا را ضروری می سازد. با توجه به آنچه گفته شد این مطالعه با هدف بررسی نقش صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی در نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و خطرات آن انجام می گیرد تا بر اساس اطلاعات حاصله زمینه ای مناسب برای مطالعات کارآزمایی بالینی و تدوین برنامه های متناسب پیشگیرانه فراهم شود.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه دامغان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بودند که از این تعداد

مقیاس نگرش نسبت به مصرف مواد مخدر (تمایل به مصرف)، نگرش نسبت به اثرات استفاده از مواد مخدر، نگرش نسبت به خطرات استفاده از مواد مخدر است. پایایی این مقیاس برای هر یک از خرده مقیاس ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس تمایل به مصرف برابر با ۰/۹۱، خرده مقیاس اثرات استفاده از مواد مخدر برابر با ۰/۹۰ و خرده مقیاس خطرات استفاده از مواد مخدر برابر با ۰/۹۱ بود که بیانگر آن است که این ابزار از ضریب همسانی درونی خوبی برخوردار است (۲۰، ۲۱). همین طور، ضریب اعتبار محاسبه شده به شیوه بازآزمایی برای خرده مقیاس تمایل به مصرف مواد مخدر ۰/۸۶، اثرات استفاده از مواد مخدر برابر ۰/۸۴ و خطرات استفاده از مواد مخدر ۰/۸۵ است که بیانگر پایایی و ثبات این ابزار در طول زمان است. پس از بررسی اعتبار این ابزار، اطلاعات به دست آمده با روش تحلیل عاملی اکتشافی در یک نمونه ایرانی نشان داد در مجموع ۵۴ سوال پرسشنامه دارای ضریب همبستگی بالاتر از ۰/۴ هستند و می توانند به لحاظ نگرشی بین افراد تمایز قائل شوند (۲۱).

ب- پرسشنامه پنج عامل شخصیت:
پرسشنامه پنج عامل شخصیت شامل پنج عامل اصلی شخصیت یعنی روان رنجورخویی (N)، برون گرایی (E)، گشودگی (O)، توافق پذیری (A) و مسئولیت پذیری (C) است و مشتمل بر ۶۰ سوال می باشد که شرکت کنندگان بر اساس یک مقیاس پنج گزینه ای از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) به سوالات آن پاسخ می دهند و نمره هر عامل شامل حاصل جمع نمرات گویه های آن عامل است (۲۲). حداقل نمره در هر عامل شخصیت صفر و حداکثر نمره آن ۴۸ است. در پژوهشی پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ برای پنج عامل شخصیت بالاتر از ۰/۷۰ بدست آمد که نشان از ثبات درونی قابل قبولی دارد و از لحاظ اعتبار سازه با SCL-90-R همبستگی معنادار دارد (۲۳). در مطالعه ای دیگر در ایران بررسی اعتبار این مقیاس با استفاده از روش

۲۰۰ نفر (۹۵ نفر مرد و ۱۰۵ نفر زن) به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. با حداکثر میزان شیوع سوء مصرف مواد در مطالعات اولیه در دانشجویان، فاصله اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد میزان شیوع تا ۰/۰۵ مقدار واقعی سوء مصرف مواد و وجود دو عامل پیش بین تعداد ۱۹۰ نفر نمونه نیاز بود، اما به منظور افزایش دقت در نمونه گیری و با توجه به مسأله احتمالی افت شرکت کنندگان و یا نقص در تکمیل ابزارها در ابتدا از بین این دانشجویان تعداد ۲۱۵ نفر با مراجعه به دانشکده های مربوطه به شیوه تصادفی انتخاب شدند که داده های مربوط به ۹ نفر ناکامل و داده های مربوط به ۶ نفر اشتباه بود و با کنار نهادن پرسشنامه های این ۱۵ نفر، شرکت کنندگان نهایی در مطالعه ۲۰۰ نفر بودند. اشتغال به تحصیل طی زمان مطالعه، برخورداری از سلامت جسمی و روانشناختی، عدم معلولیت، وجود کارکرد مطلوب در امور تحصیلی و تکالیف عملی مربوط به دروس و نیز تمایل و رضایت آگاهانه شرکت کنندگان از ملاک های ورود به مطالعه بودند. همچنین، وجود بیماری های جسمانی و روانشناختی طی شش ماه گذشته و نیز طی زمان مطالعه، افت عملکرد در امور تحصیلی یا کارورزی نامناسب و شرکت در دوره ها یا برنامه های ارتقاء دهنده سلامت طی زمان مطالعه از ملاک های خروج از مطالعه بودند. در این مطالعه، از دو ابزار مقیاس نگرش سنج به مواد مخدر و پرسشنامه پنج عامل شخصیت استفاده شد.

الف- مقیاس نگرش سنج به مواد مخدر:
جهت سنجش نگرش نسبت به اعتیاد در دانشجویان از مقیاس نگرش سنج به مواد مخدر استفاده گردید که توسط دلاور و همکاران (۲۰) ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۵۴ عبارت است که به صورت مقیاس لیکرت از عدد ۱ "کاملاً مخالفم" تا عدد ۵ "کاملاً موافقم" نمره گذاری می شود. نمره بیشتر در این مقیاس به معنای نگرش مثبت تر نسبت به اعتیاد می باشد. این پرسشنامه دارای سه خرده

این شاخص‌ها تأیید کننده انجام تحلیل رگرسیون خطی چندگانه می‌باشند (۲۵).

یافته‌ها

دامنه سنی شرکت کنندگان بین ۱۸ تا ۴۶ سال با میانگین سنی و انحراف استاندارد $24/6 \pm 6/24$ بود. از ۲۰۰ نفر شرکت کننده تعداد ۹۵ نفر مرد (۴۷/۵٪) و تعداد ۱۰۵ نفر زن (۵۲/۵٪) بودند. همچنین، بر اساس بالاترین سطح سواد سایر اعضای خانواده دانشجویان شرکت کننده در مطالعه، تعداد ۱۲ نفر شرکت کننده از خانواده‌های بی سواد (۶٪)، ۱۶ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات ابتدائی (۸٪)، ۲۶ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات راهنمایی (۱۳٪)، ۳۵ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات دیپلم (۱۷/۵٪)، ۵۱ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات فوق دیپلم (۲۵/۵٪)، ۴۰ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات کارشناسی (۲۰٪) و تعداد ۲۰ نفر شرکت کننده از خانواده‌های با تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر (۱۰٪) بودند. به علاوه، ۱۴۱ نفر (۷۰/۵٪) مجرد و ۵۹ نفر (۲۹/۵٪) متأهل بودند. همچنین، ۲۱ نفر (۱۰/۵٪) دارای درآمد پایین‌تر از ۵۰۰ هزار تومان، ۶۵ نفر (۳۲/۵٪) دارای درآمد بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان، ۶۵ نفر (۳۲/۵٪) نیز دارای درآمد بین یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان، ۳۶ نفر (۱۸٪) دارای درآمد بین یک میلیون و پانصد هزار تومان تا دو میلیون تومان و ۱۳ نفر (۶/۵٪) دارای درآمد دو میلیون تومان و بالاتر بودند. خصوصیات توصیفی شرکت کنندگان بر اساس ماتریس همبستگی و نیز میانگین \pm انحراف معیار متغیرهای پیوسته پژوهش ارائه شده است (جدول ۱).

طبق ضرایب همبستگی پیرسون بین روان رنجورخویی با دو متغیر نگرش نسبت به سوء مصرف و نگرش نسبت به خطرات مواد رابطه مثبت و معنادار وجود داشت ($p < 0/001$). همچنین، بین برون‌گرایی، گشودگی، توافق

آفای کرونباخ نشان داد که ضرایب آلفا برای ابعاد این مقیاس بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۳ هستند و ضریب همبستگی ۰/۶۸ بین این مقیاس و پرسشنامه شخصیتی آیزنک (Eysenck Questionnaire Personality) نیز نشان دهنده روایی همزمان مطلوب این مقیاس است (۲۴).

ج- پرسشنامه جمعیت شناختی: این ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات فردی نظیر سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، اطلاعات تحصیلی شرکت کنندگان نظیر مقطع و رشته تحصیلی و نیز به منظور دست‌یابی به وضعیت سلامت کلی نظیر عدم برخورداری از بیماری‌های طبی یا روانشناختی استفاده شد.

همچنین، این مطالعه مبتنی بر رعایت ملاحظات اخلاقی از جمله کسب رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان به صورت کتبی، رعایت حقوق شرکت کنندگان در محرمانه بودن اطلاعات آنها و برخورداری از حق انصراف از ادامه شرکت در طی هر مرحله از مطالعه انجام گرفت. مشارکت تمامی افراد در این مطالعه محرمانه بود و ابزارهای مورد بررسی به کمک کد شناسایی از هم متمایز شدند. اطلاعات در مورد مطالعه در یک فرم رضایت آگاهانه در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت. در تحلیل داده‌ها از همبستگی و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-19 استفاده شد. نظیر آنچه در این مطالعه برقرار بود، رگرسیون چندگانه روش مناسب در پیش‌بینی متغیر پاسخ پیوسته بر اساس تعدادی از متغیرهای پیوسته می‌باشد (۲۵). متغیرهای پاسخ در این مطالعه شامل نگرش به خطرات سوء مصرف مواد و تمایل به سوء مصرف مواد و متغیرهای پیش‌بین شامل صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی بودند. قبل از تحلیل رگرسیون چندگانه، پیش‌فرض‌های این تحلیل با بررسی نتایج آزمون‌های مربوط به این پیش‌فرض‌ها از جمله شاخص تورلانس، شاخص تورم واریانس (Variance Inflation Factor) VIF و شاخص دوربین-واتسن بررسی شدند، به گونه‌ای که

جدول ۱- ماتریس همبستگی متغیرهای جمعیت شناختی و صفات شخصیت با نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و خطرات آن

متغیر	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	
۱ روان رنجورخویی									
۲ برون گرایی	-۰/۳۵**								
۳ گشودگی	۰/۲۵**	-۰/۱۶*							
۴ توافق پذیری	۰/۱۲*	۰/۵۹**	۱						
۵ مسئولیت پذیری	۰/۲۳**	-۰/۱۹*	۰/۳۷**	۱					
۶ جنسیت	۰/۱۲*	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۴	۱				
۷ سطح تحصیلات	-۰/۲۹**	-۰/۳۳**	۰/۴۸**	۰/۰۹	۰/۲۱**	۱			
۸ وضعیت تاهل	-۰/۱۵*	-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۰۴	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	۱		
۹ درآمد	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	-۰/۰۹	-۰/۱۱*	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۱۷*	۱	
۱۰ سن	-۰/۱۶*	-۰/۰۹	-۰/۱۹*	-۰/۰۶	-۰/۱۶*	-۰/۱۶*	-۰/۳۸**	-۰/۲۷**	۱
۱۱ نگرش به خطرات	۰/۴۴**	-۰/۲۳**	-۰/۳۴**	-۰/۴۵**	-۰/۱۸*	-۰/۰۹	-۰/۲۷**	-۰/۱۹*	۱
سوء مصرف مواد	۰/۴۳**	-۰/۲۴**	-۰/۴۱**	-۰/۵۲**	-۰/۴۳**	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۶۹**	۱
۱۲ تمایل به سوء مصرف مواد	۰/۴۳**	-۰/۲۴**	-۰/۴۱**	-۰/۵۲**	-۰/۴۳**	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۶۹**	۱
میانگین ±	۲۴/۳۱	۲۷/۲۲	۲۴/۰۸	۲۷/۲۲	۲۱/۱۷	-	-	۲۴/۶۳	۶۹/۲۷
انحراف استاندارد	±۷/۰۵	±۷/۱۱	±۴/۶۷	±۶/۲۰	±۸/۶۱	-	-	±۶/۲۴	±۷/۸۱

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

نگرش نسبت به خطرات مواد به ترتیب برابر ۲/۰۶ و ۲/۰۳ می باشد و بنابراین فرض همبستگی پس باقیمانده مانده ها نیز رد می شود. همچنین، روابط همبستگی بین متغیرها در دو تحلیل کمتر از ۰/۹ است که به معنای آن است که هم خطی بین متغیرها وجود ندارد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که طی پنج گام متغیرها به گونه‌ای معنادار می‌توانند تمایل به سوء مصرف مواد را پیش‌بینی کنند ($p < 0.001$). در گام اول، متغیر توافق پذیری بر تمایل به سوء مصرف مواد وارد مدل شد که ($F_{(1, 198)} = 70/50$ و $p < 0.001$) بود و این متغیر قادر است ۰/۳۶ تغییرات مربوط به متغیر کمی تمایل به سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0/363$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0/356$) پیش‌بینی کند. در گام دوم، متغیر روان رنجورخویی بر تمایل به سوء مصرف مواد وارد مدل می‌شود در حالی که متغیر توافق پذیری در مدل باقی مانده است ($F_{(2, 197)} = 44/26$ و $p < 0.001$) و این دو متغیر قادرند ۰/۴۱ تغییرات مربوط به تمایل به سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0/403$) پیش‌بینی کنند. در

پذیری و مسئولیت پذیری با تمایل به سوء مصرف مواد و نگرش نسبت به خطرات مواد نیز رابطه منفی وجود داشت ($p < 0.001$). عامل سن نیز رابطه منفی معناداری با نگرش به خطرات سوء مصرف مواد داشت ($p < 0.001$). به علاوه، طبق ضرایب همبستگی از نوع دورشته‌ای نقطه ای بین جنسیت، وضعیت تاهل و درآمد با نگرش به خطرات سوء مصرف مواد و بین وضعیت تاهل و درآمد با تمایل به سوء مصرف مواد رابطه ای معنادار وجود داشت ($p < 0.001$). با بررسی هم خطی چندگانه به کمک آماره تولرانس، داده‌های پرت، نمودارهای باقی مانده، شرایط استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه برقرار بود. آماره تولرانس در پیش‌بینی تمایل به سوء مصرف مواد و نگرش نسبت به خطرات مواد در تحلیل رگرسیون به ترتیب دارای ضرایب بین ۰/۶۳ تا ۱/۰ و ۰/۵۶ تا ۱/۰ بود که در واقع حاکی از عدم هم خطی و نیز ثبات این مدل رگرسیون است. همچنین، مقدار VIF برای هر متغیر در چندین گام تحلیل برای تمایل به سوء مصرف مواد و نگرش نسبت به خطرات مواد به ترتیب در دامنه ۱/۰ تا ۱/۷۲ و ۱/۰ تا ۱/۴۱ قرار داشتند. مقدار آماره دوربین-واتسن در پیش‌بینی تمایل به سوء مصرف مواد

جدول ۲- ضرایب رگرسیون چندگانه برای متغیرهای پیش بین تمایل به سوء مصرف مواد

متغیرهای پیش بین	ضرایب غیر استاندارد (B)	ضرایب استاندارد (β)	p	فاصله اطمینان ۹۵٪
۱- توافق پذیری	-۰/۶۴۵	۰/۵۱۲	۰/۰۰۱	(-۰/۷۹۶) - (-۰/۴۹۴)
۲- روان رنجورخویی	۰/۳۶۳	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۱	۰/۱۲۲ - ۰/۵۰۳
۳- مسئولیت پذیری	-۰/۲۶۰	۰/۲۸۵	۰/۰۰۶	(-۰/۴۳۲) - (-۰/۱۶۷)
۴- گشودگی	-۰/۳۳۹	۰/۲۳۷	۰/۰۰۹	(-۰/۴۲۴) - (-۰/۱۳۳)
۵- درآمد	-۰/۳۱۲	۰/۲۴۷	۰/۰۰۸	(-۰/۸۳۴) - (-۰/۱۲۱)

تبیین از طریق ورود هر پنج متغیر در گام پنجم ورود می‌باشد. در بین این متغیرها، متغیر توافق پذیری مهم‌تر از بقیه متغیرها است. وزن توافق پذیری (B = -۰/۶۴۵)، (t = -۸/۳۹۷) و (p < ۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که این متغیر در کنار دیگر متغیرها می‌تواند تغییرات مربوط به تمایل به سوء مصرف مواد در این نمونه پژوهشی را تبیین نماید که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، وزن () توافق پذیری در تمایل به سوء مصرف مواد برابر با ۰/۵۱۲ خواهد بود (جدول ۲).

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که طی هفت گام متغیرها به گونه‌ای معنادار می‌توانند متغیر کمی نگرش نسبت به خطرات سوء مصرف مواد را پیش‌بینی کنند (p < ۰/۰۰۱). در گام اول، متغیر مسئولیت پذیری در پیش‌بینی خطرات سوء مصرف مواد وارد مدل شد که قادر است ۰/۳۲ تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی (R² = ۰/۳۲۵) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم (Adj R² = ۰/۳۱۱) پیش‌بینی کند. در گام دوم، متغیر گشودگی وارد مدل می‌شود در حالی که متغیر مسئولیت پذیری در مدل باقی مانده است (F_(۲, ۱۹۷) = ۳۸/۸۷ و p < ۰/۰۰۱) و این دو متغیر قادرند ۰/۳۹ تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی (R² = ۰/۳۹۱) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم (Adj R² = ۰/۳۷۸) پیش‌بینی کنند. در گام سوم، متغیر روان رنجورخویی وارد مدل می‌شود و دو متغیر قبلی نیز در مدل باقی مانده اند (F_(۳, ۱۹۶) = ۳۸/۸۷ و p < ۰/۰۰۱) و این سه متغیر قادرند ۰/۴۴ تغییرات مربوط به

گام سوم، متغیر مسئولیت پذیری بر تمایل به سوء مصرف مواد، وارد مدل می‌شود و دو متغیر قبلی نیز در مدل باقی مانده اند. میزان F بدست آمده برابر (F_(۳, ۱۹۶) = ۳۲/۳۱ و p < ۰/۰۰۱) است و این سه متغیر قادرند ۰/۴۹ تغییرات مربوط به تمایل به سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی (R² = ۰/۴۹۱) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم (Adj R² = ۰/۴۸۱) پیش‌بینی کنند. در گام چهارم، متغیر گشودگی بر تمایل به سوء مصرف مواد وارد مدل شده و سه متغیر قبلی نیز در مدل باقی میمانند. همچنین میزان F بدست آمده برابر (F_(۴, ۱۹۵) = ۲۶/۱۰) و p < ۰/۰۰۱ است و این چهار متغیر قادرند ۰/۵۲ تغییرات مربوط به تمایل به سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی (R² = ۰/۵۲۹) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم (Adj R² = ۰/۵۱۷) پیش‌بینی کنند. در گام پنجم (نهایی)، متغیر درآمد وارد مدل شده و سایر متغیرهای پیش بین نیز در مدل میمانند. میزان F بدست آمده مساوی (F_(۵, ۱۹۴) = ۲۲/۷۰ و p < ۰/۰۰۱) است و این پنج متغیر قادرند ۰/۵۷ تغییرات مربوط به تمایل به سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی (R² = ۰/۵۷۲) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم (Adj R² = ۰/۵۶۶) پیش‌بینی کنند. در این مدل رگرسیونی، پنج متغیر برون‌گرایی، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل و سن نقشی در پیش‌بینی تمایل به سوء مصرف مواد نداشتند (P > ۰/۰۵).

طبق ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین، پنج متغیر توافق پذیری، روان رنجورخویی، مسئولیت پذیری، گشودگی و درآمد با اطمینان ۹۹٪ می‌توانند در کنار هم تمایل به سوء مصرف مواد را به گونه‌ای معنادار تبیین کنند که این

جدول ۳- ضرایب رگرسیون چندگانه برای متغیرهای پیش بین نگرش نسبت به خطرات سوء مصرف مواد به روش گام به گام

متغیرهای پیش بین	ضرایب غیر استاندارد (B)	ضرایب استاندارد (β)	p	فاصله اطمینان ۹۵٪
۱- مسئولیت پذیری	-۰/۸۷۵	-۰/۵۵۲	۰/۰۰۱	(-۰/۶۳۳) - (-۱/۱۱۷)
۲- گشودگی	-۰/۹۳۳	-۰/۳۸۹	۰/۰۰۱	(-۱/۳۶۱) - (-۰/۵۰۵)
۳- روان رنجورخویی	۰/۵۵۱	۰/۳۳۳	۰/۰۰۶	۰/۲۳۷ - ۰/۸۶۵
۴- جنسیت	-۱/۷۸۱	-۰/۳۰۳	۰/۰۰۹	(-۲/۶۷۲) - (-۰/۵۹۰)
۵- توافق پذیری	-۰/۳۹۲	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۷	(-۰/۷۴۷) - (-۰/۰۳۷)
۶- سطح تحصیلات	-۱/۲۳۴	-۰/۲۲۲	۰/۰۰۹	(-۲/۳۸۱) - (-۰/۰۸۸)
۷- سن	-۰/۴۵۴	-۰/۲۷۰	۰/۰۰۴	(-۰/۷۷۱) - (-۰/۱۳۶)

این مدل رگرسیونی، سه متغیر برون گرای، درآمد و وضعیت تاهل نقشی در پیش بینی نگرش نسبت به خطرات سوء مصرف مواد نداشتند ($p > 0.05$).

طبق ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین، هفت متغیر مسئولیت پذیری، گشودگی، روان رنجورخویی، جنسیت، توافق پذیری، سطح تحصیلات و سن با اطمینان ۹۹٪ می‌توانند در کنار هم خطرات ادراک شده سوء مصرف مواد را به گونه‌ای معنادار تبیین کنند که این تبیین از طریق ورود هر هفت متغیر در گام هفتم ورود می‌باشد. در بین این متغیرها، متغیر سطح تحصیلات مهم‌تر از بقیه متغیرها است. وزن سطح تحصیلات ($B = -1/778$)، ($t = -3/950$) و ($p < 0.001$) نشان می‌دهد که این متغیر در کنار دیگر متغیرها می‌تواند تغییرات مربوط به درک خطرات سوء مصرف مواد در این نمونه پژوهشی را تبیین نماید که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، وزن () سطح تحصیلات در خطرات ادراک شده سوء مصرف مواد برابر با -0.276 خواهد بود (جدول ۳).

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج این مطالعه توافق پذیری، روان رنجورخویی، مسئولیت پذیری، گشودگی و درآمد نقش معناداری در پیش بینی تمایل به سوء مصرف مواد داشتند. این یافته‌ها همسو با نتایج بررسی‌های قبلی (۱۴، ۱۱، ۸) است. به علاوه، نتایج این مطالعه نشان داد که مسئولیت پذیری، گشودگی، روان رنجورخویی، جنسیت،

خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0.440$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0.427$) پیش بینی کنند. در گام چهارم، متغیر جنسیت وارد مدل شده و سه متغیر قبلی نیز در مدل باقی میمانند ($F_{(4, 195)} = 32/84$ و $p < 0.001$) و این چهار متغیر قادرند 0.49 تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0.493$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0.488$) پیش بینی کنند. در گام پنجم، متغیر توافق پذیری وارد مدل شده و چهار متغیر قبلی نیز در مدل میمانند ($F_{(194, 5)} = 27/33$ و $p < 0.001$) و این پنج متغیر قادرند 0.56 تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0.567$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0.552$) پیش بینی کنند. در گام ششم، متغیر سطح تحصیلات وارد مدل شده و پنج متغیر قبلی نیز در مدل میمانند ($F_{(193, 6)} = 21/37$ و $p < 0.001$) و این شش متغیر قادرند 0.63 تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0.639$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0.612$) پیش بینی کنند. در گام هفتم، متغیر سن وارد مدل شده و سایر متغیرهای پیش بین نیز در مدل میمانند ($F_{(192, 7)} = 18/46$ و $p < 0.001$) و این هفت متغیر قادرند 0.67 تغییرات مربوط به خطرات سوء مصرف مواد را در این نمونه پژوهشی ($R^2 = 0.672$) و نیز در جامعه پژوهشی مورد تعمیم ($Adj R^2 = 0.660$) پیش بینی کنند. در

توافق پذیری، سطح تحصیلات و سن نیز در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد دارای نقش معناداری بودند که هم راستا با مطالعات قبلی (۱۵، ۱۰، ۴) است. در مطالعه کوتو و همکاران نشان داده شد که بیشتر واریانس تمایل و نگرش مثبت به سوء مصرف مواد توسط صفات شخصیتی پیش بینی می شود (۸). در مطالعاتی دیگر، سایز و همکاران و وود و همکاران دریافتند که تمایل و گرایش مثبت به سوء مصرف مواد و تداوم آن توسط صفات شخصیتی روان رنجورخویی بالا، مسئولیت پذیری، گشودگی و توافق پذیری پایین و نیز وضعیت اجتماعی - اقتصادی نامناسب نظیر درآمد پایین پیش بینی می شود (۱۵، ۴).

بنابراین، همانگونه که فریدبرگ و همکاران معتقدند نمرات پایین در ابعاد مثبت شخصیتی نظیر توافق پذیری با رفتارهای پرخطر برای سلامت نظیر وابستگی و تداوم سوء مصرف مواد مرتبط است (۲۶). به نظر مک کانن (۶) سوء مصرف مواد از پیامدهای برجسته صفات شخصیتی ناکارآمد و معیوب و نیز وضعیت اجتماعی - اقتصادی نامطلوب است، به طوری که روابط حلقوی معیوب بین عوامل در یک چرخه ناسالم قرار می گیرد که به نوبه ی خود صفات شخصیتی ناکارآمد و دیگر حالات روانشناختی منفی را تشدید می کند. از طرفی، می توان استدلال نمود که زندگی دانشجویی به عنوان یک فرایند استرس طبیعی تلقی می شود که اگر دانشجویان نتوانند پس از مدتی با زندگی دانشجویی سازگار شوند، علایم استرس با وجود صفات شخصیتی منفی و یا کمبود صفات شخصیتی مثبت تشدید و در صورت حل نشدن با گذشت زمان مزمن می گردد و در نتیجه گرایش به سوء مصرف مواد از پیامدهای مهم استرس های حاد و مزمن است. از طرفی، می توان استدلال نمود که توافق پذیری، مسئولیت پذیری و گشودگی برگرایش های بین فردی مثبت و سازنده تاکید دارند و نمرات کم در این ابعاد به هیجان خواهی تکانشی منجر شده و در نتیجه آن آسیب پذیری و آمادگی

بالتوجه نسبت به رفتارهای پرخطر نظیر سوء مصرف مواد افزایش می یابد. همچنین می توان استدلال نمود که افراد با وظیفه شناسی پایین دارای بلا تکلیفی، سردرگمی و تعهد پایینی هستند، آنها خودکنترلی و خودانضباطی کمتری داشته و در عین حال اعتقاد کمتری به توانایی های خود دارند که این ویژگی ها می تواند زمینه ساز گرایش فکری مثبت به سمت سوء مصرف مواد را فراهم آورد. همانگونه که زایاتز و همکاران نیز اشاره کرده است افرادی که نمره بالایی در گشودگی دارند دارای تجربه احساس های مثبت و سطوح بالاتری از شادی هستند، از انعطاف پذیری بالاتری برخوردار باشند و کیفیت روابط فردی آنها نیز بهتر خواهد بود (۹)، بنابراین این افراد با توجه به ویژگی هایی چون انعطاف در تجارب، تخیل و ابتکار، پذیرش ارزش ها و عقاید جدید، درک عمیق از موقعیت های هیجانی، داشتن روابط بین فردی بهتر و پذیرش تغییرات انتظار می رود سازگاری بهتری با محیط های اضطراب زا داشته باشند و در نتیجه نگرش منفی تری نسبت به سوء مصرف مواد و در نتیجه تمایل کمتری به مصرف مواد دارند. از طرفی، روان رنجورخویی تمایل به هیجانات منفی نظیر اضطراب، غم، ترس، احساس گناه، بلا تکلیفی دائم و گرایش به احساسات منفی نسبت به وقایع است و لذا می توان گفت گرایش به سوء مصرف مواد نوعی واکنش به این تجارب منفی است که منجر به حذف یا کاهش این محرک های آزارنده به خصوص درماندگی روانی و عواطف منفی می شود. در چنین حالتی واکنش یا سوء مصرف مواد تقویت شده و احتمال مصرف مجدد افزایش می یابد. از سوی دیگر، آگراوال و همکاران روان رنجورخویی را به عنوان عامل زمینه ساز و تسریع کننده اقدام به رفتارهای پرخطر نظیر سوء مصرف مواد و الکل می دانند (۱۲).

همچنین، این مطالعه همسو با مطالعات قبلی (۱۶، ۱۷، ۲۷) نشان داد که جنسیت، سطح تحصیلات و سن در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد دارای نقش معناداری بودند. در این

مطلب، همکاران و همکاران که فریدبرگ و همکاران معتقدند نمرات پایین در ابعاد مثبت شخصیتی نظیر توافق پذیری با رفتارهای پرخطر برای سلامت نظیر وابستگی و تداوم سوء مصرف مواد مرتبط است (۲۶). به نظر مک کانن (۶) سوء مصرف مواد از پیامدهای برجسته صفات شخصیتی ناکارآمد و معیوب و نیز وضعیت اجتماعی - اقتصادی نامطلوب است، به طوری که روابط حلقوی معیوب بین عوامل در یک چرخه ناسالم قرار می گیرد که به نوبه ی خود صفات شخصیتی ناکارآمد و دیگر حالات روانشناختی منفی را تشدید می کند. از طرفی، می توان استدلال نمود که زندگی دانشجویی به عنوان یک فرایند استرس طبیعی تلقی می شود که اگر دانشجویان نتوانند پس از مدتی با زندگی دانشجویی سازگار شوند، علایم استرس با وجود صفات شخصیتی منفی و یا کمبود صفات شخصیتی مثبت تشدید و در صورت حل نشدن با گذشت زمان مزمن می گردد و در نتیجه گرایش به سوء مصرف مواد از پیامدهای مهم استرس های حاد و مزمن است. از طرفی، می توان استدلال نمود که توافق پذیری، مسئولیت پذیری و گشودگی برگرایش های بین فردی مثبت و سازنده تاکید دارند و نمرات کم در این ابعاد به هیجان خواهی تکانشی منجر شده و در نتیجه آن آسیب پذیری و آمادگی

رابطه، خسروی و همکاران نیز نتیجه گرفتند که تحصیلات و سواد بهداشتی در کنار باورهای سلامتی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف اکستازی و درک خطرات و پیامدهای منفی آن مؤثر است (۲۸). به نظر مرلاین و همکارانسن پایین با تاب آوری پایین تر، بی ثباتی در هدف گذاری و توان کمتر در تنظیم هیجانات همراه است که به عنوان عوامل خطر مهم سوء مصرف مواد به طور متقابل بر هم اثر می گذارند و با کاهش شدت خطرات ادراک شده اعتیاد پیامدهای بعدی نظیر تمایل و اقدام به سوء مصرف مواد را تحت تأثیر قرار می دهند (۱۸). همچنین، لیو و همکاران نشان دادند که مردان در مقایسه با زنان به دلیل تکانشگری بالاتر بیشتر احتمال دارد خطرات جدی ناشی از سوء مصرف مواد را نادیده بگیرند و در نتیجه به مصرف مواد روی آورند (۲۹). همانگونه که امبلیتون و همکاران بیان کردند سطح تحصیلات پایین تر بواسطه کاهش سطح سواد سلامتی منجر به ضعف در شناخت پیامدها و خطرات واقعی سوء مصرف مواد می گردد که زمینه ساز بروز و تداوم رفتارهای اعتیادی است (۱۷). همچنین، می توان گفت سن و سطح تحصیلات پایین با افزایش تنیدگی و آشفتگی های روانی- اجتماعی همراه است که این دو حالت با ایجاد برانگیختگی فیزیولوژیکی، افزایش تکانشگری و افزایش سطوح آشفتگی های روانشناختی خطرات ادراک شده حاصل از سوء مصرف مواد را کاهش می دهند و در نتیجه احتمال تمایل و گرایش به سوء مصرف مواد را افزایش می دهند و لذا زمینه ساز سوء مصرف مواد هستند.

طبق این مطالعه، متغیرهای برون گرایی، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل و سن سهم معناداری در پیش بینی تمایل به سوء مصرف مواد نداشتند و سه متغیر برون گرایی، درآمد و وضعیت تاهل نیز سهم معناداری در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد نداشتند. برخی از مطالعات قبلی نشان داده بودند که این عوامل در تمایل به سوء مصرف مواد و درک

خطرات آن نقش مهمی دارند (۱۶، ۸). از طرفی، شواهد متناقضی در مورد نقش این عوامل در تمایل به سوء مصرف مواد و درک خطرات اعتیاد وجود دارد. در مطالعه ای، در زمینه برونگرایی کثافک نشان داد که افراد برون گرا نگرش مثبت تری نسبت به مواد و الکل دارند (۱۴) که این نتیجه با نتایج مطالعات سولومون و همکاران (مغایر است) (۱۰). این تضاد در نتایج مطالعات می تواند ناشی از چندین موضوع باشد. ابزارهای مورد استفاده، نوع ماده مصرفی، نحوه انتخاب نمونه پژوهش، تفاوت های فرهنگی- اجتماعی و شرایط بوم شناختی متعدد می تواند نتایج مطالعات را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، در مطالعه ای در رابطه با نوع ماده مصرفی آشکار شد که میزان برون گرایی و گشودگی در برابر تجربه در مصرف کنندگان کوکابین و شیشه در مقایسه با مصرف کنندگان الکل بیشتر بود (۱۵). همچنین، ویو و همکاران و نیز پاتریک و ماگز) نشان دادند نوجوانان و جوانانی که به دنبال مصرف محرک ها هستند، افرادی با خطرپذیری بالاتر و بیشتر برونگرا هستند (۱۶، ۳۰). نکته دیگری که حائز اهمیت است تفاوت فرهنگی- اجتماعی و شرایط جغرافیایی است. برای مثال، در بعضی فرهنگ ها درون گرایی و در برخی فرهنگ ها برونگرایی مورد تشویق قرار می گیرد و این موضوع نتایج مقایسه ها را تحت تأثیر قرار می دهد؛ اما نکته ای که باید به آن توجه شود این است که نباید مولفه برونگرایی یا درونگرایی به تنهایی مورد قضاوت قرار گیرد، بلکه ضروری است به تعامل آنها با دیگر مولفه های تاثیرگذار نظیر تهییج طلبی، تکانشی بودن، کمرویی، نوحواهی و دیگر صفات شخصیتی و نیز متغیرهای مهم جمعیت شناختی توجه شود. علاوه بر این، می توان گفت این متغیرهای غیرمعنادار نقش خود را در کنار متغیرهای مهم تری نظیر روان رنجورخویی و سطح درآمد از دست می دهند و در طراحی مداخلات پیشگیرانه این متغیرهای معنادار باید در اولویت قرار گیرند.

نتایج این مطالعه باید با توجه به ویژگی های

رابطه، خسروی و همکاران نیز نتیجه گرفتند که تحصیلات و سواد بهداشتی در کنار باورهای سلامتی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف اکستازی و درک خطرات و پیامدهای منفی آن مؤثر است (۲۸). به نظر مرلاین و همکارانسن پایین با تاب آوری پایین تر، بی ثباتی در هدف گذاری و توان کمتر در تنظیم هیجانات همراه است که به عنوان عوامل خطر مهم سوء مصرف مواد به طور متقابل بر هم اثر می گذارند و با کاهش شدت خطرات ادراک شده اعتیاد پیامدهای بعدی نظیر تمایل و اقدام به سوء مصرف مواد را تحت تأثیر قرار می دهند (۱۸). همچنین، لیو و همکاران نشان دادند که مردان در مقایسه با زنان به دلیل تکانشگری بالاتر بیشتر احتمال دارد خطرات جدی ناشی از سوء مصرف مواد را نادیده بگیرند و در نتیجه به مصرف مواد روی آورند (۲۹). همانگونه که امبلیتون و همکاران بیان کردند سطح تحصیلات پایین تر بواسطه کاهش سطح سواد سلامتی منجر به ضعف در شناخت پیامدها و خطرات واقعی سوء مصرف مواد می گردد که زمینه ساز بروز و تداوم رفتارهای اعتیادی است (۱۷). همچنین، می توان گفت سن و سطح تحصیلات پایین با افزایش تنیدگی و آشفتگی های روانی- اجتماعی همراه است که این دو حالت با ایجاد برانگیختگی فیزیولوژیکی، افزایش تکانشگری و افزایش سطوح آشفتگی های روانشناختی خطرات ادراک شده حاصل از سوء مصرف مواد را کاهش می دهند و در نتیجه احتمال تمایل و گرایش به سوء مصرف مواد را افزایش می دهند و لذا زمینه ساز سوء مصرف مواد هستند.

طبق این مطالعه، متغیرهای برون گرایی، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل و سن سهم معناداری در پیش بینی تمایل به سوء مصرف مواد نداشتند و سه متغیر برون گرایی، درآمد و وضعیت تاهل نیز سهم معناداری در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد نداشتند. برخی از مطالعات قبلی نشان داده بودند که این عوامل در تمایل به سوء مصرف مواد و درک

مطالعه می توان استنباط نمود که ارائه اطلاعاتی راجع به اصلاح صفات شخصیتی و کنترل عوامل جمعیت شناختی مهم در دانشجویان ممکن است شیوه ای مؤثر برای تشویق آنان برای حفظ سلامتی و اجتناب از سوء مصرف مواد در آینده توسط آنان باشد. در نتیجه، با ارائه برنامه های مداخله ای برای کاهش تمایل به سوء مصرف مواد و نیز بهبود روش های تنظیم هیجان، شناخت و رفتار به منظور ارتقای سلامت دانشجویان می توان از آسیب های بعدی از جمله گرایش و اقدام به سوء مصرف مواد در آنان پیشگیری نمود و عملکرد تحصیلی و اجتماعی آنان را بهبود بخشید.

تقدیر و تشکر

این مطالعه برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی بالینی در دانشگاه علوم و تحقیقات سمنان است. نویسندگان مقاله از همراهی و همکاری شرکت کنندگان محترم در میسر نمودن اجرای این مطالعه تشکر و قدردانی می نمایند.

منابع

1. Tivolacci MP, Ladner J, Grigioni S, Richard L, Villet H, Dechelotte P. Prevalence and association of perceived stress, substance use and behavioral addictions: a cross-sectional study among university students in France, 2009-2011. *BMC Public Health*. 2013; 13: 24.
2. Isaacs S, Jellinek P, Martinez Garcel J, Hunt KA, Bunch W. New York State Health Foundation: Integrating Mental Health and Substance Abuse Care. *Health Aff*. 2013; 32(10):1846-1850.
3. Sajjadi M, Shariatifar N, Matlabi M, Abbasnezhad A, Basiri K, Nazemi H. The rate of knowledge and attitude toward psychoactive drugs and its abuse prevalence in Gonabad University students. *Horizon Med Sci*. 2009; 15(2):58-64 [Persian].
4. Wood AP, Dawe S, Gullo MJ. The role of personality, family influences, and prosocial risk-taking behavior on substance use in early adolescence. *J Adolesc*. 2013; 36 (5): 871-81.
5. Dennhardt AA, Murphy JG. Prevention and

این نمونه پژوهشی تفسیر گردد. شرکت کنندگان شامل دانشجویان دانشگاه دامغان در یک دامنه جغرافیایی محدود بودند که به علت جمعیت محدود پژوهشی این نتایج ممکن است معرف دیگر موقعیت های دانشجویی نباشد و در واقع عادات و شرایط خاص دانشجویان دیگر نواحی کشور را نمی توان بر اساس این مطالعه استنباط نمود. همچنین بررسی مقطعی نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در کوتاه مدت و عوامل پیش بین آن به کمک ابزارهای خودگزارشی نوعی محدودیت روش شناختی است که بر تعمیم یافته ها طی زمان اثر می گذارد. لذا، بررسی نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و عوامل پیش بین آن موضوع مهمی برای مطالعات آینده خواهد بود. مطالعات آتی بایستی جمعیت وسیع تری از شرکت کنندگان را پوشش دهند و نیز مطالعه عوامل جمعیت شناختی دیگر همراه با بررسی الگوی طولی تغییرات در نوع نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مفید خواهد بود. از طرفی در این مطالعه به بررسی روابط مستقیم بین متغیرها پرداخته شد که انتظار می رود طی مطالعات آینده روابط غیرمستقیم، پیچیده و چندسطحی بین متغیرها نیز بررسی شوند. با شناخت نیمرخ شخصیتی دانشجویان سوء مصرف کننده مواد و دارو در چنین مطالعاتی می توان برنامه های پیشگیرانه متناسبی طرح ریزی نمود و به منظور پیشگیری از اعتیاد صفات شخصیتی خطرناک و محافظت کننده افراد را تشخیص داده و مداخلات پیشگیرانه را با آن نیازها متناسب ساخت.

نتایج نهایی پژوهش حاکی از آن بود که در مجموع توافق پذیری، روان رنجورخویی، مسئولیت پذیری، گشودگی و درآمد نقش معناداری در پیش بینی تمایل به سوء مصرف مواد دارند و مسئولیت پذیری، گشودگی، روان رنجورخویی، جنسیت، توافق پذیری، سطح تحصیلات و سن نیز در پیش بینی خطرات سوء مصرف مواد دارای نقش معناداری بودند. این یافته دارای تلویحات کاربردی در زمینه ارتقای سلامت دانشجویان است. با بررسی نتایج این

19. Caamano-Isorna F, Mota N, Crego A, Corral M, Holguin SR, Cadaveira. Consumption of medicines, alcohol, tobacco and cannabis among university students: a 2-years follow-up. *Int J Public Health*. 2011; 56: 247-252.
20. Delawar A, Alizadeh A, Rezayi AM. The Construction and standardization of Attitude Towards narcotic substance and determination of relationship among individual and familial components with it for Tehran high-school students. *Journal of education and training*, 2003; 79: 51-76 [Persian].
21. Delawar A, Rezayi A, Alizadeh A. The Relationship between Family Factors and Secondary School Students' Attitude towards Drug Abuse (in Tehran). *cpap*. 2009; 1 (37): 21-34 [Persian].
22. Källmen H, Wennberg P, Bergman H. Psychometric properties and norm data of the Swedish version of the NEO-PI-R. *Nord J Psychiatry*. 2011; 65 (5): 311-4.
23. Roshan Chesly R, Shaeeri M, Atrifard M, Nikkhhah A, Ghaem Maghami B, Rahimierad A. Investigating Psychometric Properties of "NEO-Five Factor Inventory" (NEO-FFI). *cpap*. 2006; 1 (16):27-36 [Persian].
24. Anisi J, Majdiyian M, Joshanloo M, Ghoharikamel Z. Validity and reliability of NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) on university students. *Journal of Behavioral Sciences*. 2011; 5 (4): 17-18 [Persian].
25. Garson GD. Multiple Regression. Asheboro, NC: Statistical Associates Publishers; 2012. P. 36-47.
26. Fridberg DJ, Vollmer JM, O'Donnell BF, Skosnik PD. Cannabis users differ from non-users on measures of personality and schizotypy. *Psychiatry Res*. 2011; 186 (1): 46-52.
27. MacLaren V, Best L. Multive addictive behaviors in young adults: Student's norm for the Sorter. *PROMIS Questionnaire*. 2010, 35: 252-255.
28. Khosravi S, Jahani F, Gazerani N, Eshrati B, Moghimi M. Determining knowledge and attitude of students in Arak University of medical sciences about Ecstasy based on Health Belief Model in 2006. *Arak University of Medical Sciences Journal*. 2007; 10 (2): 15-21 [Persian].
29. Liu D, Wang Z, Chu T, Chen S. Gender difference in the characteristics of and high-risk behaviours among non-injecting heterosexual methamphetamine users in Qingdao, Shandong Province, China. *BMC Public Health*. 2013; 13: 30.
30. Patrick ME, Maggs JI. College Students' Evaluations of Alcohol Consequences as Positive and Negative. *Addict Behav*. 2011; 36 (12): 1148-1153.
- treatment of college student drug use: A review of the literature. *Addict Behav*. 2013; 38 (10): 2607-18.
6. McCann SJ. Subjective well-being, personality, demographic variables, and American state differences in smoking prevalence. *Nicotine Tob Res*. 2010; 12 (9): 895-904.
7. Moasheri N, Miri M, Mashreghi Moghadam HR, Eslami MR. A Study of Birjand University students' knowledge and attitude towards taking Ecstasy pills. *Journal of Birjand University of Medical Sciences*. 2007; 13 (4): 9-15 [Persian].
8. Kotov R, Gamez W, Schmidt F, Watson D. Linking "big" personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. *Psychol Bull*. 2010; 136 (5): 768-821.
9. Zayats T, Yang BZ, Xie P, Poling J, Farrer LA, Gelernter J. A complex interplay between personality domains, marital status and a variant in CHRNA5 on the risks of cocaine, nicotine dependences and cocaine-induced paranoia. *PLoS One*. 2013; 8 (1): e49368.
10. Solomon TM, Kiang MV, Halkitis PN, Moeller RW, Pappas MK. Personality traits and mental health states of methamphetamine-dependent and methamphetamine non-using MSM. *Addict Behav*. 2010; 35 (2): 161-3.
11. Saarnio P. Big five personality traits and interpersonal functioning in female and male substance abuse therapists. *Subst Use Misuse*. 2010; 45 (10): 1463-73.
12. Agrawal A, Narayanan G, Oltmanns TF. Personality pathology and alcohol dependence at midlife in a community sample. *Personal Disord*. 2013; 4(1): 55-61.
13. Betkowska-Korpała B. Personality in the big five model and maintaining abstinence after one year follow-up. *Psychiatr Pol*. 2012; 46 (3): 387-99.
14. Coëffec A. Big five-factor contributions to addiction to alcohol. *Encephale*. 2011; 37 (1): 75-82.
15. Saiz J, Álvaro JL, Martínez I. Relation between personality traits and personal values in cocaine-dependent patients. *Adicciones*. 2011; 23 (2): 125-32.
16. Wu P, Liu X, Fan B. Factors associated with initiation of ecstasy use among US adolescents: findings from a national survey. *Drug Alcohol Depend*. 2010; 106 (2-3): 193-8.
17. Embleton L, Ayuku D, Atwoli L, Vreeman R, Braitstein P. Knowledge, attitudes, and substance use practices among street children in Western Kenya. *Subst Use Misuse*. 2012; 47 (11): 1234-47.
18. Merline AC, O'Malley PM, Schulenberg JE, Bachman JG, Johnston LD. Substance use among adults 35 years of age: prevalence, adulthood predictors, and impact of adolescent substance use. *Am J Public Health*. 2004; 94: 96-102.

Attitude towards substance abuse and its outcomes: The predictive role of personality traits and demographical factors

***Isaac Rahimian Boogar**, PhD. Assistant Professor of Health Psychology, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. (*Corresponding author). i_rahimian@semnan.ac.ir

Sayed Mosa Tabatabaee, PhD. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Payam-noor University, Semnan Center, Semnan, Iran. tabatabaee19@gmail.com

Jalileh Tosi, MSc. Researches and Sciences University, Semnan Branch, Semnan, Iran. ja.tosi@yahoo.com

Abstract

Background: Substance abuse is the most important problem for mental health specialists in the contemporary societies. This study was aimed to examine the role of personality traits and demographical factors in attitude towards substance abuse and its outcomes.

Methods: In this cross-sectional descriptive study, from students of Damghan University, 95 boys and 105 girls selected by simple random sampling and they completed the The Attitude to Addiction Scale, The Personality Five-Factor Questionnaire and Demographical Questionnaire. Data were analyzed using correlation and stepwise multiple regression through SPSS v. 19.

Results: There was a significant relationship among neuroticism, extraversion, openness, agreeableness, conscientiousness and income with attitude to substance abuse and related outcomes ($p < 0.001$). Also, gender, literacy and age merely have significant relationship with attitude to outcomes of substance abuse ($p < 0.001$). Agreeableness, neuroticism, conscientiousness, openness and income had significant role on prediction of inclination to substance abuse ($p < 0.001$). Also, conscientiousness, openness, neuroticism, gender, agreeableness, literacy and age had significant role on predicting the outcomes of substance abuse ($p < 0.001$).

Conclusion: Personality traits and demographical factors have important role in tendency towards substance abuse and related perceived outcomes. For primary prevention of substance abuse it is important to pay attention to these factors in planning and implementation of preventive programs during clinical trials.

Keywords: Substance abuse, Neuroticism, Personality, College students